

# زمرد و حمله

ت.س. الیوت + اِذْمُونُ رُستَان

درکار بیژن الھی



دفتر اول:

## چارشنبه - خاکستر

اشاره

متن / ۱۷

پانویسها / ۵۱

ارضِ موات [نا تمام]

متن / ۶۵

اشاره / ۸۳

دفتر دوم:

## یکی نقل دارد، یکی نه

'سیرانودو بېژراک' [لمعاتِ نمایشِ رُستان با

نقل قصّه اش تا پایان]

متن / ۸۷

حواشی /

مراجع /

اشاره /

چون دگر باره امید بازگشتم نیست  
چون امیدم نیست  
چون امید بازگشتم نیست  
به آرزوی مایه‌ی چونین و عرصه‌ی چونان  
دگر جهد نمی‌کنم پی‌ی این گونه چیزها جهد کنم  
(چرا عقاب سالخورده پرباز کند؟)  
زاری چرا  
بر اقتدارِ نگونِ سلطنتِ معمول؟

بانو، سه پلنگ سفید پای آزدجی بنشستند  
در خنکای روز، سیر خورده  
از ساقم دلم جگرم، و آنچه جای داشت  
در گرده‌ی پوک آهیانه‌ام. و خداوند گفت  
این استخانها بزیند؟ این  
استخانها بزیند؟ و آنچه جای داشت  
در استخانها (که دگر خشک بودند) به چرچره گفت:  
به نیکی‌ی این بانو  
و به دلنشینی‌ی او، و چون  
پاس عذرا وقت ذکر می‌دارد،  
ما به رخسندگی تلالؤ داریم. و من که ریا کرده  
[درین جایم]  
کرده‌ها به نسیان می‌سپارم و عشق  
به زادگان بیابان و کدو.